

## نگاهی گذرا به جریان سلفی تکفیری داعش ( قسمت اول )

مدخل

تروریسم پدیده ای تاریخی با قدمت هزاران ساله است . پدیده ای ناخوشایند که اکنون تبدیل به چالشی اساسی برای ادامه حیات سیاسی دولت ها در مناطق مختلف جهان گردیده .

امروزه دامنه و گسترش پدیده نابه هنجار تروریسم به تمامی امور سیاسی ، اجتماعی ، اعتقادی و حتی فرهنگی و اقتصادی نظام های سیاسی در دنیا کشیده و به جرات می توان گفت نظام سیاسی در عالم وجود ندارد که مصون از حملات و ضربات و اثرات مخرب آن نباشد.

در طی سده های اخیر خاور میانه و به خصوص قلب ان یعنی بین النهرین تبدیل به جولانگاهی مناسب برای زایش و پرورش گروه های تروریستی شده است . این منطقه به لحاظ اینکه مهد تمدن های سیاسی و ظهور ادیان الهی می باشد همیشه دستخوش بازی های بازیگرانی سیاسی محلی و منطقه ای و در نهایت نقش مداخله جویانه قدرت های بین المللی بوده تا از طریق ایجاد شکاف های سیاسی و گسست های قومی و مذهبی و سیاسی و اجتماعی در این منطقه به اهداف کوتاه مدت و بلند مدت خود دست یابند.

با پیدایش نفت در منطقه خاور میانه و قدرت بلامنازع این محصول تجدید ناپذیر در اقتصاد جهانی، سیاست مداخله جویانه سلطه گران در امور خاور میانه بعد از جنگ جهانی اول و دوم به منظور سلطه بر منابع طبیعی از طریق قدرت های بین المللی توسط دولت های دست نشانده محلی رو به تزايد نهاد.

یکی از ابزار و وسایل مداخله جویانه قدرتهای سلطه گر در امورات داخلی کشورهای منطقه خاور میانه بهر برداری از پدیده تروریسم بوده است . تروریسم چه از نوع دولتی و چه از نوع نیابتی و چه از نوع گروه های خود خوانده نقش به سزایی در معادلات سیاسی در این کشورها بازی کرده است . از این رو در قرن بیستم پدیده تروریسم در خاور میانه متأثر از شرایط حاکم بر منطقه و با سو استفاده اعتقادات مذهبی و با تظاهر به شعارهای آزادیخواهانه و مترقی با سرعت بیشتری نقش افرین بوده است .

از مجموعه گروه های تروریستی پر طرفدار گروه داعش با پوسته اسلام و مبانی اعتقادی سلفی تکفیری و عنوان دولت اسلامی و خلیفه خود خوانده با جغرافیای یافتن در منطقه و کمک قدرت های بزرگ و برخی کشورهای منطقه توانسته به عنوان یک بازیگر مهم بر معادلات سیاسی منطقه تاثیر گذار باشد.

گروه سیاسی سایت راهبرد ملی در نظر دارد طی سلسله مقالات کوتاه به واکاوی ریشه ای زایش و پرورش گروه های سلفی / تکفیری پرداخته و نقش و تاثیرات آنان در معادلات منطقه ای و محلی را با تمرکز بر گروه داعش مورد توجه قرار دهد.

### ۱- مسئله شناسی

گفتمان سلفی گری، براساس ایده احیاء و بازگشت به دوره صدر اسلام بوجود آمده است. گروه ها و سازمان های سلفی گرا در چند دهه اخیر جهش وار رشد کردند و در شرایطی که جهانی شدن (و پدیده دهکده جهانی) و نیز تجدد/ مدرنیته در روندی فراگیر خود را باز تولید می کند، این گروه ها رویکرد «تجدد ستیز» افراطی دارند و به ویژه در سه دهه گذشته روش عملیاتی پیش گرفته اند اشغال افغانستان توسط ارتش شوروی (۱۹۷۹) تهاجم آمریکا به این کشور (۲۰۰۱)، ورود سربازان آمریکایی به خلیج فارس و اشغال عراق (۲۰۰۳)، حوادث پس از یازده سپتامبر، جنبش بیداری اسلامی، سقوط دیکتاتورهای منطقه، بی ثباتی و بروز نارضایتی ها در عرصه های سیاسی و اجتماعی در کشورهای عربی و مسلمان، خود از عوامل اصلی و زمینه های جدی رشد و گسترش این گروه ها محسوب می شود. هویت سلفی های رادیکال برپایه دو گونه «دگر سازی» است :

۱) دگر سازی برون دینی یعنی «تجدد»؛

۲) دگر سازی درون دینی یعنی «تشیع» شکل گرفته و رشد شتابناک آنها مرهون همین زمینه های سیاسی - اجتماعی دوگانه های متضاد است.

جریان سلفی‌گری تکفیری یکی از تحولات مهم در منطقه غرب آسیا به شمار می‌آید مسأله‌شناسی این پدیده به مثابه یک متن در ارتباط با زمینه‌های شکل‌گیری و گسترش آن در منطقه بسیار ضروری است. در باره ماهیت تحلیل و پدیدار شناختی این جریان باید گفت که همچنان با خلأ شناختی روبرو هستیم.

این جریان نوپدید با وجود همه بدعت‌ها و رویکردهای نامتعارف فکری و رفتاری که دارد، نمی‌تواند مستقل و به دور از بستر کلی تحولات معرفتی و پویای فکری و سیاسی جهان عرب و اهل سنت خوانش شود و نسبت سنجی میان سلفی تکفیری و جریان‌های فکری سیاسی غیر اسلامی منطقه نیز مسأله بسیار مهم است.

در واقع ضعف و خلاء حاکمیت در برخی کشورهای منطقه از عوامل اصلی بی‌ثباتی محسوب می‌شود. امکانی که قابلیت بهره برداری برای نظام سلطه را به شیوه‌های گوناگون فراهم می‌سازد. برای یک سیستم فعال در حوزه حکومتی، این شرایط از بهترین فرصت‌ها برای نفوذ، جریان‌سازی و ایجاد گرایش مسلط است و بهترین و کارآمدترین آن، ایجاد جریان‌های سیاسی با پشتوانه نظامی برای اهداف خاص است. سیالیت و بی‌ثباتی بلندمدت و مزمن به علت سستی فزاینده حکومت، رشد فرقه‌گرایی، عشیره‌گرایی، تنازع مذهبی، نارضایتی مردم و نیز دخالت کشورهای مختلف، بستر مساعدی برای استقرار و فعالیت گروه‌های تروریستی می‌شود و برخی از این گروه‌ها تحت حمایت کشورهای مؤثر عربی و با رویکرد سلفی - تکفیری هستند، که با شواهد و قرائن می‌توان به سیاست‌های مداخله‌گر ایانه برخی کشورها دست یافت. عربستان سعودی با سیاست‌های جاه‌طلبانه خود و با همکاری برخی کشورهای منطقه از جمله ترکیه، قطر، امارات و...، فعالیت ریشه‌داری را در منطقه خاورمیانه و کشورهای سوریه، لبنان، عراق و منطقه خلیج فارس دنبال می‌کند. این کشور جهت تأمین منافع خود و بازسازی موقعیت‌های از دست رفته، سیاست تشدید و تعمیم تنازع مذهبی و فرقه‌گرایی را پی‌گرفته و با بهره‌گیری از موقعیت مذهبی و نیز امکانات مادی، اقدام به عضوگیری و بحران‌سازی در سوریه و عراق کرده است.

شکل‌گیری گروه دولت اسلامی عراق و شام (داعش) برپایه آنچه گفته شد و با بهره‌گیری از تجارب فعالیت گروه‌های طالبان و القاعده و مشی و منش سلفی - تکفیری و با هدف تشکیل حکومت و استقرار آن (و نه محدود به حکومت‌های ایذایی و تروریستی)، فصل نوینی را در فعالیت‌های گروه‌ها آغاز کرده است. گروه یاد شده در فضای اختلافات سیاسی، مذهبی و قبیله‌ای داخلی عراق، همکاری گروه‌های سنی مخالف دولت مرکزی و نظامی‌ها و عوامل حزب بعث پایه‌های استقرار خود را در بخشی از سرزمین این کشور تثبیت کرد.

اقدام گروه داعش در حمله و اشغال موصل که با اصل غافلگیری انجام شد و اقدامات پسینی و نیز حمله به مناطق مختلف دیگر حکایت از برنامه‌ریزی گسترده گروه و حامیانش دارد.

آمارهای رسمی نشان می‌دهد در چند سال گذشته هزاران نفر در عملیات‌های گروه‌های تروریستی کشته و زخمی و صدها هزار نفر آواره شده‌اند. تنها در سال ۱۳۹۳ حدود ۱۸ هزار نفر در اثر حملات تروریستی در جهان جان خود را از دست داده‌اند، این میزان نسبت به سال پیش از آن، ۶۱ درصد رشد داشته است، ۸۰ درصد قربانیان اینگونه حوادث مربوط به اقدامات تروریستی در عراق، سوریه، افغانستان، پاکستان و نیجریه است، بیشترین آمار تلفات در اثر رفتار تروریستی و خشونت بارگروه‌های داعش، القاعده، طالبان و بوکوحرام بوده است.

تفکر افراطی و برداشت سطحی از مفاهیم اسلام اصیل (هرچند به صورت ناروا)، از سوی رهبران گروه‌های تکفیری بویژه جریان داعش در طیف‌های جوان اهل سنت رواج یافته و به فرهنگی مقدس بدل شده است، این فرهنگ و تفکر عامل محرک در میان گروه‌های افراطی و جهادی، زمینه گسترش و پیشرفت آنان را فراهم کرده است، دور نیست که جریان‌های افراطی (داعش، جبهه‌النصره) دستاوردهای سیاسی و راهبردی خود را در جنگ و منازعات منطقه از دست بدهند، یا مجبور به عقب‌نشینی از فتوحات سرزمینی شوند، اما قرائت و برداشت آنان از اسلام، در قلب کشورهای اسلامی، پیروان خود را حفظ کرده است و در نتیجه، خشونت اعتقادی در کنار تقابل طایفه‌ای بلندمدت در این مناطق رواج خواهد داشت. در چنین وضعی، طبیعی است که رهبران گروه‌های افراطی به تناسب موقعیت‌های سیاسی و اجتماعی، در صدد تقویت انگیزه قشرهای هوادار خود برآمده و از پیروزی‌های احتمالی برای افزایش روحیه عناصر میدانی بهره‌برداری خواهند کرد و شکست‌ها نیز دست‌مایه‌ای برای برانگیختن حس انتقام‌جویی در بین عناصر سطحی‌تر قرار خواهد گرفت.

در هر حال نمی‌توان داعش را یکسره پدیده‌ای معرفتی و برخاسته از اسلام دانست و باید مؤلفه‌های مربوط به تحولات اجتماعی و سیاسی، به ویژه در جهان عرب را نیز در پیدایش و تقویت آن مؤثر دانست. پاره‌ای از این مؤلفه‌ها را می‌توان به شرح زیر برشمرد:

- ناکامی انقلاب‌های عربی در تحقق مطالبات دو طبقه پرنفوذ، یعنی طبقات محروم و تهیدستان و فرودستان جامعه و در کنار آن‌ها، طبقات متوسط فرهنگی که در ائتلاف با یکدیگر بهار عربی را شکل دادند. گرایش انبوهی از محرومان جوامع عرب به همراه افرادی از اقلیت تحصیل‌کرده، نخبگان و دانشجویان به داعش را می‌توان از همین زاویه ارزیابی کرد.

- به حاشیه رانده شدن گروه‌های سیاسی پرنفوذ مانند حزب بعث عراق و عشایر در عراق پس از سرنگونی رژیم بعثی و احساس محرومیت و سرخوردگی آنان از سامان سیاسی جدید شیعی - کردی مستقر در بغداد. این گروه‌ها به سبب تجربه طولانی حکومتمداری، برخورداری از کادرهای تشکیلاتی و قدرت سازماندهی به سرعت توانستند هدایت و کنترل داعش را به دست گیرند و به گونه‌ای مغز متفکر و ستون فقرات و بخشی از بازوان عملیاتی آن را شکل دهند.

- طرح استقرار نظم سیاسی فدرالی شیعی - کردی در عراق جدید این باور را نزد طیفی از عامه و حتی نخبگان عرب تقویت کرد که هویت عربی سنی آنها در برابر قدرتیابی فزاینده سازه‌های تمدنی رو به رشد غیرعربی شیعی مانند ایران و سازه‌های تمدن غیر عربی و سکولار مانند ترکیه و حکومت اقلیم کردستان روبه‌زوال می‌رود و رقبایشان همان‌گونه که در عراق و سوریه و شامات نمودار شده، قدرتمایی می‌کنند.

- از منظر کلان، داعش در پی اقدام نظامی آمریکا و غرب در اشغال عراق حادث شد و می‌توان گفت واکنشی کینه‌توزانه و منفعلانه بخشی از جریان سلفی در جهان اسلام است که در این روند گرایش‌های غرب ستیزانه‌ای که آمریکا و اروپا را عامل پس افتادگی و انحطاط جوامع مسلمان می‌دانند نیز به این گروه‌ها تمایل می‌یابند.

- از دید تحلیل پویای امنیت منطقه‌ای نیز می‌توان وجهی دیگر از مسأله قدرتیابی داعش را بازشناسی کرد. برپایه نظریه آشوب (اضطراب برخاسته از افول راهبردی) در مناطق حیاتی می‌توان گفت برخی دولت‌ها مانند عربستان که نگران و مضطرب از افول موقعیت استراتژیک خویش و قدرتیابی رقبایی مانند ایران هستند به گونه‌ای شتاب آلود و هیجانی به حمایت از گروه‌های ماجراجوی مانند داعش می‌پردازند که حتی در بلندمدت می‌تواند تهدیدات بزرگتری متوجه خودشان گرداند.

- در پدیدارشناسی و تحلیل عملکردی داعش باید به مسأله‌شناسی در باره پیامدهای آن بر ترتیبات امنیت منطقه‌ای و احتمال تغییر در جغرافیای سیاسی منطقه‌ای توجه ویژه داشت.

- در سطح بین‌المللی مسأله قابل توجه مرتبط با پدیده داعش پیوند یافتن آن با امنیت داخلی اغلب کشورهای خاورمیانه، اروپایی، آمریکایی، حوزه آسیای مرکزی و قفقاز، روسیه و حتی استرالیا است. به ویژه در غرب این موضوع از منظر مبارزه با تروریسم از یک سو و فضا سازی رسانه‌ای پیوند یافته است که در نهایت به موضوع گسترش اسلام هراسی و گسترش جریان راست افراطی و ضد مهاجرت به ویژه در اروپای غربی می‌انجامد.

ادامه دارد.....